

ورزش در سال ۱۳۸۲ پای مردی ورزشکاران یا خواست فدراسیون‌ها



گزارش‌گر: تورج عاطف

سال ۱۳۸۲ نیز برای ورزش ما به پایان رسید و اگر موفقیتی بود به لطف و همت دلاور مردانی بود که علی‌رغم برخورداری از استعداد و توان بالا، از کوچک‌ترین توجه و امکاناتی برخوردار نبودند و نیستند. ورزش ما که همواره به یاری جرقه‌های ناگهانی در آسمان ورزش جهان درخشیده است، هم‌چنان در پله‌ی بی‌توجهی مسئولانش چشم به آینده دوخته است تا شاید دستی از غیب برآید و به ناگاه دلاور مردانی چون نامجو، تختی، حبیبی، باغبان باشی، رضا زاده، دایی و ... سر برآورند و بدرخشند، بدون آن که کشف بشوند.

به راستی هیچ وقت در فکر تربیت ورزشکار از کودکی افتاده‌ایم؟ مثل ورزشکاران اروپای شرقی سابق به دنبال یافتن کودکان با استعداد و آموزش و پرورش و قهرمان ساختن آن‌ها بوده‌ایم؟ و یا تنها به کمک بخت و اقبال این سرزمین گوهر پرور، این‌گونه ستارگان از زیر ابرهای بی‌توجهی و عدم امکانات و سوء مدیریت بیرون آمده‌اند و در حال پرتو افشانی هستند! هیچ فکر کرده‌ایم که پهلوانانی از خود گذشته و خودجوش از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به کمک شایسته‌گی‌های فردی و بدون این که کوچک‌ترین انتظاری از قهرمان شدن داشته باشند، ناگهان سر برآورده‌اند و جهانی را شگفت‌زده کرده‌اند؟ اگر مردانی خود ساخته و بدون داشتن کم‌ترین امکانات فنی و علمی می‌توانند نام

می‌روند و پیروز هم می‌شوند. اگر مسئولین ما به این قهرمانان جوان به گونه‌ی دیگری می‌نگریستند، ورزش را جدی می‌گرفتند و در می‌یافتند که سرمایه‌گذاری بر روی ورزش هر چه قدر بیشتر باشد، باز هم کم و ناچیز است، در آن صورت ورزش ما منتظر معجزه نبود که فلان ورزشکار در فلان روستا با تکیه بر استعداد و قدرت خدادادی، بدون داشتن کم‌ترین اطلاعات علمی و فنی به میدان بیاید و همه را شگفت زده نماید.

ورزش می‌تواند جامعه و جوانان ما را به آرامش برساند و باعث پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ی اجتماع شود. چنین به نظر می‌رسد که گروهی از مردان علاقه‌مند و دل‌سوز ما، فقط با احساس به مسائل مهم

ایران را پر آوازه کنند و بر سکوی قهرمانی جهان بایستند، اگر همین افراد خود ساخته و علاقه‌مند می‌توانستند از حداقل نیازمندی‌های استاندارد شده ورزش جهان برخوردار باشند، چه اتفاقاتی می‌افتاد؟ جوانان پر شور و علاقه‌مند ما پنجه در پنجه‌ی حریفان کاملاً قوی می‌افکنند و با تکیه بر ایمان و غرور ملی خود، افتخار می‌آفرینند و پس از بازگشت به وطن باید آن قدر از توان روحی بالایی برخوردار بشوند که از بی‌توجهی دوباره مسئولان ورزش نهراسند و به راه خود ادامه دهند. ورزشکاران ما با تکیه بر اعتقادات قلبی خود از سختی‌ها نمی‌هراسند و با یاد تاریخ پر افتخار و قهرمان‌پرور خود می‌خرامند و پیش



هزینه‌ی ناموفق و برون مرزی، نتیجه و کارنامه‌ی این ورزش ارزان قیمت و پر طرفدار در بین جوانان وطن ما است. از عهده کدام کار بر می‌آییم؟ آیا ورزشی آسان‌تر و کم هزینه‌تر از بدمیتون هم وجود دارد؟

بسکتبال: به یاری مردان تحصیل کرده در کادر هیئت رئیسه‌ی این فدراسیون، بسکتبال ما در مقایسه با سایر ورزش‌ها روزهای خوبی را می‌گذراند. حضور در رقابت‌های جهانی و به دست آوردن مقام پنجم آسیا در رده باشگاهی، نشان‌گر علم و تجربه در این ورزش پر طرفدار دانشگاهی است. دست‌میریان را بگیریم، بازی‌کنان را پس از مسابقات به امان خدا رها نکنیم و نیازهای مالی، تحصیلی و اجتماعی آن‌ها را بر آوریم تا بر تعداد علاقه‌مندان این ورزش بسیار زیبا افزوده شود.

بوکس: این ورزش کماکان مورد هجوم پدیده دوگانه‌گی بودن و یا نبودن است و هنوز قادر به ارایه‌ی یک برنامه‌ی مدون و استاندارد نیست. هنوز قهرمانان و علاقه‌مندان به این ورزش جای‌گاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند.

بولینگ و بیسبال: با توجه به برخورد احساسی و غیر منطقی با این دو ورزش بسیار جذاب و پر تحرک و نبودن امکانات لازم و فدراسیون‌های جدی و پی‌گیر و آدم‌هایی که ارزش جهانی بودن این ورزش‌ها را درک کنند در جامعه‌ی ما شناخته شده نیستند. زمانی یک ورزش پیشرفت می‌کند و طرف‌دار و علاقه‌مند دارد

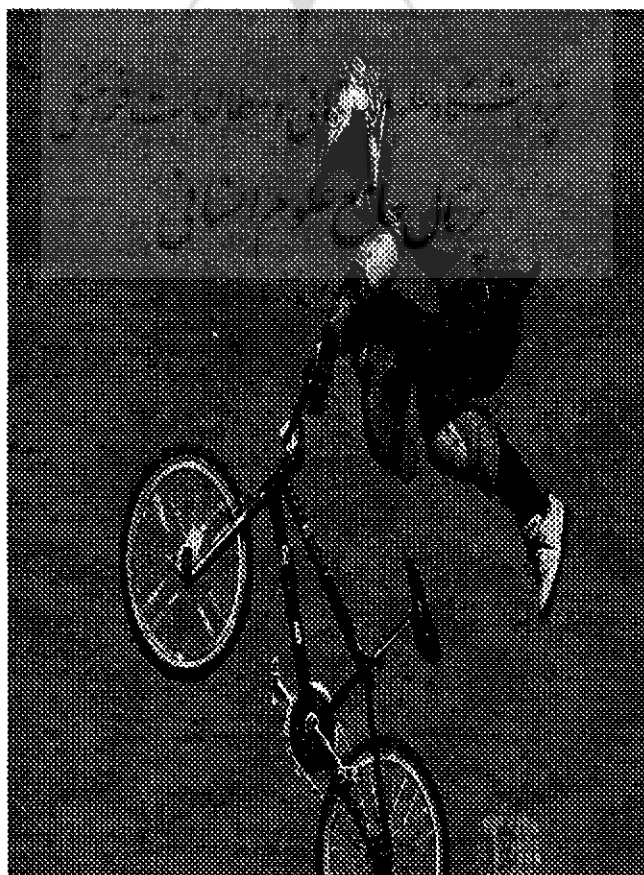
جهانی این رشته نه، بلکه در بین رقبای سخت‌کوش و زحمت‌کش کره‌ای، ژاپنی، چینی و یا حتی ترک به مقامی قابل توجه دست یابد؟ سهم ما از ورزش اسکی در پیست جهانی اسکی دیزین!! (بشنوید، اما باور نکنید) فقط کفش و لباس آخرین مُد پوشیدن و فیس و افاده آمدن و سُر خوردن از روی لاستیک است؟! در این باره در آینده حرف‌های زیادی برای گفتن داریم.

اسکواش: این ورزش پر تحرک که بزرگ‌ترین قهرمانان آن در جهان، در همسایه‌گی ما و در کشور پاکستان زندگی می‌کنند به شکلی اصولی و کارآمد وجود خارجی ندارد. به جرأت بیش‌تر از ۹۰٪ ورزشکاران ما نیز از کم و کیف این ورزش آگاه نیستند. چند مسابقه‌ی داخلی بدون تحرک و بدون تماشاچی و چند اعزام پر

روز نگاه می‌کنند و از همه چیز ورزش بی‌خبرند و از کاروانیان جهانی فاصله‌های زیادی دارند. این بحث را به وقت دیگری وا می‌گذاریم و در حال حاضر به فعالیت‌های برخی از فدراسیون‌ها می‌پردازیم که چه می‌کنند و چه برنامه‌هایی دارند:

اسکی، کماکان در اختیار طبقه‌ی ویژه‌ای است. هزینه‌های گزاف و عدم سرویس دهی مناسب و بی‌توجهی به نیازهای عمومی، این ورزش را به ورزشی تفریحی، لوکس، اشرافی و گران قیمت تبدیل کرده است. در مورد فعالیت‌های بین‌المللی و ملی این ورزش زیبا و فرح‌انگیز، تنها می‌توان به مسابقات باری به هر جهت داخلی اشاره داشت. وقتی ورزشی به صورت تفریحی، تشریفاتی، لوکس، مجلل، رفیق‌بازی، قبیله‌ای، بانده‌بازی و در مواردی نه چندان کم به شکل رقابت، چشم و هم‌چشمی،

سالن مُد، فخرفروشی و نشان دادن امتیازهای مالی درآید، چه‌گونه می‌تواند قهرمان پرور باشد و در سطح رقبای بین‌الملل حرفی برای گفتن داشته باشد؟! برای خالی نبودن عریضه و برای این که حرفی برای گفتن وجود داشته باشد فدراسیون اسکی هر ساله در فصل اسکی چند نفری از برف‌بازان! را به پیست‌های جهانی در اروپا می‌فرستد که با صرف هزینه‌های سرسام‌آور بگویند که مثلاً ما هم پیست داریم و می‌توانیم روی آن لیز بخوریم. این چه فدراسیونی است که با بیش‌تر از ۵۰ سال سابقه هنوز نتوانسته است در پیست‌های اروپایی و در بین قهرمانان





عباس صمیمی بود. عدم توجه به نیاز قهرمانان و ادامه‌ی راه آنان با آموزش و تربیت نسل‌های بعد از آنان همان فاجعه‌ای را به وجود می‌آورد که برای بقیه‌ی ورزش‌های ما به وجود آورده است. آسان‌تر از دویدن و تربیت ورزشکاران دو و میدانی و ورزش‌های وابسته به آن چیست؟

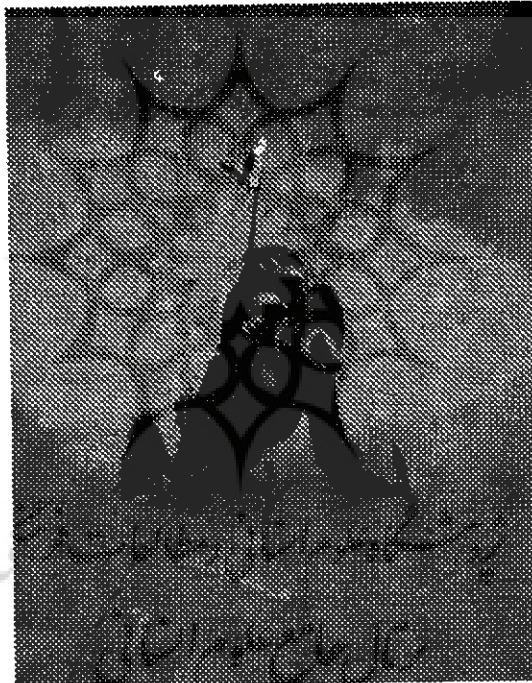
ژیمناستیک: روز جهانی ژیمناستیک در ایران برگزار شد. گردهم‌آیی پر از حرف و سخنان قشنگ! اما، فاصله‌ی حرف تا عمل در کشور ما به اندازه ابدیت است!! در کجای ژیمناستیک، این ورزش بسیار زیبا و شگفتی‌آفرین جهان هستیم؟

سخن‌رانی‌ها، کفرانس‌ها و گردهم‌آیی‌های به ظاهر بسیار زیبا و حرفه‌ای دردی از ما درمان نمی‌کند. باید به فکر چاره اصلی بود! **سوارکاری و شمشیربازی و شنا:** آیا شاهد روزمرگی این ورزش‌ها نیستیم؟ ... اگر غیر از این است ما را راهنمایی کنید. چه کسی سوارکار، چه کسانی شمشیرباز و چه افرادی شناگر هستند. شاید در فدراسیون‌های مختلف وزشی ما شناگر!! زیاد باشد، اما شناگر قهرمان و نام‌آور چند تا داشته‌ایم و یا داریم؟! ممکن است نام ببرید؟

فوتبال: شاید عنوان بهترین بازیکن و داور آسیا از مهم‌ترین روی‌دادهای امسال فوتبال ما باشد. قهرمانی در جام بین قاره‌ای و قهرمانی آسیا در فوتسال از مهم‌ترین اتفاقات امسال این دو ورزش بود. اگر چه بهترین فوتبالیست (مهدی مهدوی‌کیا) آسیا در هامبورگ بازی می‌کند و ادعا و حرف زیاد درباره فوتبال داریم، اما اگر چند اتفاق شگفت‌انگیز مقطعی و نه دایمی و برنامه‌ریزی شده در فوتبال را نادیده بگیریم،

تنها راه ورزش در حال مرگ مملکت ما است.

تنیس روی میز: چنان‌چه به آن توجه شود و امکانات اولیه در اختیار کودکان، نوجوانان و جوانان قرار گیرد می‌تواند به عنوان یک ورزش همه‌گانی قهرمان پرور شود. متأسفانه تا همین امروز کسی به فکر حل مشکل این ورزش آسان، ارزان و بسیار فنی نیفتاده است. با نصب میزهای سیمانی در گوشه و کنار شهرها و پیاده‌روها و توزیع



توپ و راکت‌های ارزان قیمت و رایگان می‌توانیم نتیجه‌ی خوبی بگیریم. این ورزش به آسانی می‌تواند به اندرون خانه‌ها راه یابد. منتظر چه هستیم؟

تیراندازی: آیا این فدراسیون هنوز فعال است؟ ژست‌های قهرمانان!! تیراندازی در جلوی دوربین‌های تلویزیونی زیبا است. آیا این فدراسیون و ورزشکارانش در سطح جهانی حرفی برای گفتن دارند؟! ...

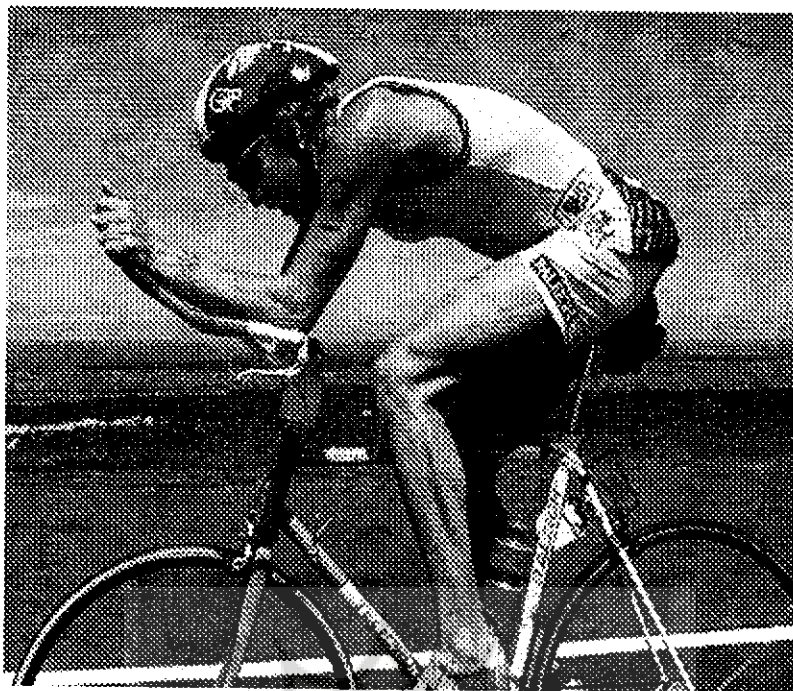
دو و میدانی: مهم‌ترین اتفاقی که برای این ورزش پیش آمد، کسب مقام نایب قهرمانی

که مدیرانی لایق، پر تجربه و کارآمد داشته باشد. تا مؤسسه، سازمان و فدراسیونی نباشد و مردم را با این ورزش‌ها آشنا نکند و اسباب و وسایلی در اختیار علاقه‌مندان قرار ندهد، چه کسی در فکر چنین ورزش‌هایی خواهد افتاد؟ ...

تکواندو: این ورزش پر تحرک در حال پیشرفت است. تکواندو کاران ما بدبختانه اسیر تشکیلات مافیایی کره جنوبی در هیئت رئیسه‌ی فدراسیون جهانی تکواندو هستند. اگر چنین نبود، بدون تردید ایران قهرمان تکواندو در جهان بود. قدر و ارزش بچه‌های علاقه‌مند به این ورزش را بدانیم و به آن‌ها کمک کنیم تا ضمن رسیدن به زندگی خود، از این ورزش دور نشوند.

تنیس: همیشه گام‌های نخستین را برداشته است. هیچ وقت ما ورزشی به نام «تنیس واقعی» نداشته‌ایم. تنیس در صورتی بین مردم مورد توجه قرار می‌گیرد که از حالت اختصاصی درآمده و همگانی بشود. قیمت سرسام‌آور لوازم تنیس و اجاره زمین و این ورزش را بعد از ورزش اسکی روی برف یکی از گران‌ترین ورزش‌ها کرده است. تولید قهرمان نیازمند امکانات است. وقتی وسایل ورزش تنیس و زمین‌های آن در اختیار باندهای مشخصی باشد که به همه چیز به جز گسترش ورزش تنیس فکر می‌کنند، چه گونه می‌توان در جهان حرفی برای گفتن داشت؟ گمان نکنید از نظر استعداد جوانان ما آمادگی قهرمان شدن ندارند. باور کنید این گونه نیست. لوازم و زمین رایگان در اختیار مردم بگذارید و چند سال بعد کاشته‌های خود را درو کنید. این

والیبال: والیبال هم سال موفقی را پشت سر گذاشت. نایب قهرمانی آسیا، سومی جهان در رده نوجوانان، عنوان پنجم جوانان جهان و عنوان سومی آسیا در رده بزرگسالان، نشان می‌دهد که فدراسیون والیبال زنده است و می‌خواهد کاری بکند، اما از کمبود امکانات و کمبود بودجه در رنج است. فراموش نکنیم در قرن فرصت‌های لحظه‌ای هنوز مسابقه‌ی لیگ برتر والیبال به



فوتبال نیز علی‌رغم آن همه سرمایه‌گذاری‌های سرسام‌آور و شگفت‌انگیزی که برایش می‌شود، چیزی بیش‌تر از بدمینتون یا اسکواش و یا بولینگ نبود. خدا این تماشاچی‌های مهربان و پول‌های مفت و بادآورده علاقه‌مندان به فوتبال را نگاه دارد که اگر این دو پدیده نبودند، وضع بسیار اسفناک‌تر می‌شد. در فوتسال نیز کماکان داریم از چشمه‌ی

علت قطع برق در تهران نیمه تمام رها می‌شود. سالن والیبال در گلستان به علت هجوم جمعیت تعطیل می‌شود و ... چرا این ورزش پر افتخار که می‌رود تا جای‌گاه واقعی خود را پیدا کند این قدر با بی‌مهری رو به رو شده و با کمبود امکانات رو به رو است؟ ...

اگر مقامات ورزش ما انتقادپذیر باشند و ناراحت نشوند باید قبول کنند که تشکیلات ورزش ما به یک خانه تکانی زیر بنایی و یک جابه‌جایی صد در صدی و ساختاری نیازمند است. تا چه قرنی ورزش، باید گیج و سردرگم باشد؟!

این کلی‌گویی را از ما بپذیرید تا در فرصتی مناسب به جزئیات ورزش این مرز و بوم پردازیم و تک تک ورزش‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

پایان

کشتی بودن» هیچ دردی از این ورزش ملی را تا امروز حل نکرده است. به علم، خرد، منطق، تجربه، ابزار لازم، امکانات مورد نیاز، نوسازی سالن‌ها، رسیدگی به قهرمانان و آشتی با تماشاچیان روی بیاوریم تا شاید ورزش کشتی که متعلق به تاریخ ایران است، دوباره زنده شود اگر کشتی هم نداشته باشیم، پس به چه ورزشی بایلیم!!!

از هاکی، گلف، موتورسواری، قایقرانی، اتومبیل‌رانی و اسکی روی آب، دوچرخه‌سواری، سنگ نوردی و چه بنویسیم؟ چه بگوییم؟ و چه انتظاری داشته باشیم؟ واقعاً خنده‌دار نیست؟ آیا چنین ورزش‌هایی هم در سرزمین ما وجود خارجی دارند؟ اگر جواب مثبت است، مفاهیم جهانی این ورزش‌ها در کشور ما چه جایگاهی دارند؟ محل برگزاری این ورزش‌ها و راه‌های رسیدن به امکانات این ورزش‌ها کجا و چه گونه است؟

خودجوش بازیکنان غیر حرفه‌ای سیراب می‌شویم. از کار اصولی هنوز خبری نیست. ما کجا و فوتبال اروپا یا حتی ژاپن و کره کجا؟

وزنه‌برداری: باز هم به مدد رضازاده و برخواه چشم بر کاستی‌ها بستیم و فکر کردیم قله‌های وزنه‌برداری جهان را فتح کرده‌ایم! اگر رضا زاده نبود شاید وزنه‌برداری سرنوشتی مانند شنا و ژیمناستیک و دوومیدانی داشت و شاید بدتر. هنوز درانتظار یک حادثه‌ی شگفت‌انگیز هستیم که اعجوبه‌ای پیدا شود و ما را چند روزی بر قله‌ی پیروزی‌ها بنشانند. افتادن از قله‌های پیروزی بسیار آسان است. ماندن در قله و دوباره صعود کردن کار هر کسی نیست. احتیاج به عقل و منطق و علم و آموزش و پرورش دارد!

کشتی: در این ورزش ملی همیشه دل‌خوشی‌مان به غیرت بچه‌ها بوده است. فدراسیون‌های پر خرج و کوچک و بزرگ کشتی با مردانی به بزرگی «ریس فدراسیون